

وارد جنگ شود. این جنگ در اروپا اتفاق می افتاد و آمریکا در جای امنی بود و علاقه ای به دخالت نداشت و لذا اجتناب می کرد. یهودیان جمعیتی بزرگ در آمریکا بودند و نفوذ و تأثیر نسبتاً خوبی داشتند. در آن زمان رئیس دیوان عالی آمریکا یک یهودی بود که گرایشات صهیونیستی داشت. آن یهودی ها و صهیونیست ها در چنین وضعیتی به انگلستان نزدیک شدند؛ چون نیاز انگلیس را درک کردند با آن ها وارد معامله شدند. آن ها با نفوذی که در آمریکا داشتند این کشور را ترغیب کردند تا وارد این جنگ بشود و در مقابل می خواستند تا به آن ها کمک شود و پروژه ای را که در فلسطین به دنبال آن بودند اجرا کنند. براساس این توافق بود که «بالفور» شکل گرفت. براساس کمک آمریکا به انگلیس در جریان جنگ جهانی اول، انگلیس قیم یهودیان شد و جامعه ملل متحد قیم فلسطین، ولی همین انگلیس در سال های بعد به این نتیجه رسید که این پروژه به نفع او نیست. در دهه ۳۰ میلادی و با فاصله گرفتن از جنگ جهانی، انگلیس براساس منافع خود از بالفور فاصله گرفت. انگلیس فهمید یهودیان موجودیتی کوچک در خاورمیانه هستند و معلوم نیست که بتوانند یک کشور تشکیل بدهند. اما از طرفی کشورهای منطقه از جمله کشورهای عربی، که تعدادشان هم زیاد بود، همه با این پروژه مخالف بودند و به انگلیس ایراد می گرفتند و فشار می آوردند که چرا از این مسئله حمایت می کند؛ لذا انگلیس براساس این واقعیت ها از بالفور فاصله گرفت و حتی آن را لغو کرد. بعد از آن یهودیان با انگلیسی ها وارد جنگ شدند. آن قدر که یهودیان در فلسطین انگلیسی کشتند، فلسطینی ها و عرب ها نکشته اند. حتی در داخل انگلستان چندین عملیات تروریستی علیه انگلیس انجام دادند و بمب گذاری و ترور کردند. انگلیس وقتی دید اوضاع به نفعش نیست و دارد کشته می دهد، از فلسطین عقب نشینی کرد. در میان کشورهای غربی تنها کشوری که در سازمان ملل به راه حل به رسمیت شناختن اسرائیل رای مثبت داد، انگلستان بود.

به نظر من مهم ترین دلیل حمایت فعلی آمریکا که عمدتاً بعد از جنگ ۱۹۶۷ شروع شد، قدرت لابی اسرائیل در آمریکا است نه منافع آمریکا. شاید بالفور در آن دوران به نفع انگلیس بود، ولی من حمایت امروز آمریکا از اسرائیل را به نفع منافع ملی آمریکا نمی دانم. این حمایت محصول نفوذ فوق العاده این لابی در تمام ارکان قدرت آمریکا است. از سینما، مطبوعات، رسانه، دانشگاه، کنگره، دولت، کاخ سفید، افکار عمومی و اقتصاد آنچنان نفوذی به هم زده اند که امروز یک رئیس جمهور در آمریکا جرئت ندارد با آن ها مقابله کند.

یعنی شما موجودیت فعلی اسرائیل را در نهایت به نفع آمریکا هم نمی دانید؟

خیر.

برخی منتقدین سیاست های فعلی، برای دفع خطر اسرائیل نسخه عادی سازی را تجویز می کنند. به نظر شما آیا عادی سازی می تواند امنیت ایران و کشورهای منطقه را در مقابل اسرائیل تأمین کند؟

اسرائیل به رغم وسعت و جمعیت اندکی که دارد و به دلیل امکاناتی که در اختیار او قرار می دهند، در حوزه های امنیتی و اطلاعاتی و نظامی به قدرتی مهم تبدیل شده است و برای کشورهای اسلامی و عربی در وضعیت فعلی چندان آسان نیست که بتوانند این قدرت را شکست بدهند. سابقه منطقه این را به خوبی نشان می دهد که قدرت های منطقه همه مصمم بودند که اسرائیل را شکست بدهند و فلسطین را آزاد کنند، ولی ناکام ماندند. سوریه و اردن و کشورهای مختلف منطقه بارها با اسرائیل جنگیدند و توفیقی